

درس خارج فقه مضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

موضوع کلی: فصل فی غسل الجنابة

تاریخ: ۴ بهمن ۱۳۹۹

موضوع جزئی: عدم فرق بین مجرد یا ملفوف بودن ذکر یا حشفه در هنگام دخول

مصادف با: ۹ جمادی الثانی ۱۴۴۲

جلسه: ۶۱

سال تحصیلی: ۱۴۰۰-۱۳۹۹

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

مسأله ۶۵۰: «لا فرق فی کون إدخال تمام الذکر أو الحشفة موجبا للجنابة بین أن يكون مجرداً أو ملفوفاً بوصلَةٍ أو غيرها إلّا أن يكون بمقدار لا یصدق علیه الجماع»^۱.

به نظر مرحوم سید (ره)، در اینکه ادخال تمام ذکر یا حشفه موجب جنابت می شود، بین اینکه ذکر یا حشفه مجرد از چیزی باشد یا چیزی از پارچه و غیر آن، دور ذکر یا حشفه پیچیده شده باشد، فرقی نیست، مگر اینکه آن پارچه ای که دور ذکر یا حشفه پیچیده شده است، به اندازه ای باشد که جماع بر آن صدق نکند [، یعنی آن پارچه ای که پیچیده شده است، اصالت داشته باشد و ذکر یا حشفه جنبه تبعی داشته باشد].

در رابطه با مسأله مذکور، سه احتمال مطرح شده است؛

احتمال اول، این است که گفته شود که در فرض مذکور، مطلقاً غسل واجب نیست چون موضوع وجوب غسل، التقاء ختانی است و در صورت ملفوف بودن آلت یا مدخول فیهِ، التقاء ختانی صدق نمی کند، یعنی اگر دور ذکر چیزی پیچیده شده باشد یا در فرج پارچه ای گذاشته شده باشد، آلت و فرج التقاء پیدا نمی کنند، در نتیجه غسل واجب نیست. پس یک احتمال این است که اگر ذکر با پارچه یا چیز دیگری ملفوف شده باشد یا پارچه ای داخل فرج گذاشته شده باشد، غسل واجب نمی شود.

پاسخ از احتمال مذکور، این است که این احتمال در صورتی صحیح است که ملاک در وجوب غسل، صرف التقاء الختانی باشد تا گفته شود که در فرض مذکور، التقاء الختانی صدق نمی کند، پس غسل واجب نیست، لکن اگر ملاک برای وجوب غسل چیز دیگری، مثل غیوبه حشفه باشد، غسل واجب است چون با دخول به مقدار حشفه، غیوبه حشفه صدق می کند، هر چند که ذکر، ملفوف به چیزی باشد، پس نمی توان گفت که چون التقاء ختانی صورت نگرفته است، غسل واجب نیست.

بنابراین، با توجه به اینکه موضوع وجوب غسل و جنابت، التقاء ختانی نیست و ذکر التقاء الختانی در روایات، برای بیان حدی است که غسل با آن واجب می شود و منظور از التقاء ختانی، مقداری است که ختانی با هم التقاء پیدا کنند، اما نفس التقاء بما هو التقاء، موضوعیتی در مسأله ندارد و آنچه موضوعیت دارد، غیوبه حشفه است، عرض می شود که با صرف غیوبه حشفه، غسل واجب می شود؛ چه ذکر، ملفوف به چیزی باشد و چه ملفوف به چیزی نباشد. دلیل این مطلب نیز روایت صحیح محمد بن اسماعیل بن بزیع است؛

۱. سید محمدکاظم، یزدی طباطبائی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۸۴.

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ يَغْنَى ابْنِ بَزِيعٍ؛ قَالَ: سَأَلْتُ الرَّضَا (ع) عَنِ الرَّجُلِ يُجَامِعُ الْمَرْأَةَ قَرِيباً مِنَ الْفَرْجِ فَلَا يُنْزِلَانِ مَتَى يَجِبُ الْغُسْلُ؟ فَقَالَ: «إِذَا التَّقَى الْخِتَانَانِ فَقَدْ وَجِبَ الْغُسْلُ» فَقُلْتُ: التَّقَاءُ الْخِتَانَيْنِ هُوَ غَيْبُوبَةُ الْحَشْفَةِ؟ قَالَ: «نَعَمْ»^۱.

در این روایت، التقاء ختاین به غیبوبه حشفه تفسیر شده است و غیبوبه حشفه در صورتی که ذکر، ملفوف به چیزی باشد نیز صدق می‌کند، هرچند که عنوان التقاء ختاین صدق نکند.

شاید استدلال کسانی که ملاک برای وجوب غسل را التقاء ختاین دانسته‌اند و لذا گفته‌اند که اگر ذکر، ملفوف به چیزی باشد، غسل واجب نمی‌شود [چون التقاء ختاین صورت نگرفته است]، کلام امام رضا (ع) در روایت محمد بن اسماعیل بن بزیع است که آن حضرت (ع) فرموده است: «إِذَا التَّقَى الْخِتَانَانِ فَقَدْ وَجِبَ الْغُسْلُ». این عده از این روایت، این گونه برداشت کرده‌اند که با التقاء ختاین غسل واجب می‌شود، پس اگر ذکر، ملفوف به چیزی باشد التقاء ختاین صدق نمی‌کند لذا غسل واجب نمی‌شود، لکن این عده از ذیل روایت که التقاء ختاین را به غیبوبه حشفه تفسیر کرده است، غافل شده‌اند لذا با توجه به ذیل روایت مذکور، در صورتی که ذکر، ملفوف به چیزی باشد، هرچند التقاء ختاین صدق نمی‌کند، ولی غیبوبه حشفه صدق می‌کند و لذا غسل واجب می‌شود.

پس روایت محمد بن اسماعیل بن بزیع به صراحت بر این که التقاء ختاین بما هو التقاء الختاین، برای ترتب حکم، موضوعیت ندارد، دلالت دارد و ملاک برای وجوب غسل، دخول به مقدار حشفه و غیبوبه حشفه است، بنابراین، اگر به مقدار حشفه داخل شود، غسل واجب می‌شود، چه ذکر، مجرد از چیزی باشد و چه ملفوف به چیزی باشد و مراد از التقاء ختاین نیز دخول به مقدار حشفه است، پس التقاء ختاین، موضوعیت ندارد تا گفته شود که اگر ذکر، ملفوف به چیزی باشد، التقاء ختاین صدق نمی‌کند، پس غسل واجب نیست، بلکه ملاک، غیبوبه الحشفه است لذا به صرف دخول به مقدار حشفه غسل واجب می‌شود، هرچند که ملفوف به چیز باشد.

احتمال دوم، این است که گفته شود که در صورت ملفوف بودن ذکر، مطلقاً غسل واجب است، حتی اگر جماع نیز صدق نکند، تا چه رسد به اینکه التقاء ختاین صدق کند یا صدق نکند، یعنی دخول ذکر که ملفوف به چیزی است، موجب غسل می‌شود، هرچند که آن پارچه‌ای که به ذکر پیچیده شده است، به مقداری باشد که جماع صدق نکند و وقتی عدم صدق جماع مانع از وجوب غسل نباشد، به طریق اولی عدم التقاء ختاین، مانع از وجوب غسل نخواهد بود.

دلیل سخن مذکور، این است که موضوع وجوب غسل، مجرد جماع و التقاء ختاین نیست، بلکه آنچه معیار برای وجوب غسل است، ادخال و ایلاج است و وقتی ادخال و ایلاج محقق شد، فرقی نمی‌کند که جماع صدق کند یا صدق نکند و فرقی نمی‌کند که التقاء ختاین صدق کند یا صدق نکند، بلکه صرف تحقق ادخال و ایلاج برای حکم به وجوب غسل کفایت می‌کند.

پاسخ از سخن مذکور، این است که چیزی به عنوان ادخال و ایلاج به صورت موضوع مستقل برای وجوب غسل، در برابر جماع و لمس وجود ندارد تا گفته شود که ادخال و ایلاج یک چیز است و جماع و لمس نیز چیز دیگری است و این دو در مقابل هم می‌باشند، بلکه ادخال و ایلاج، نسبت به جماع و لمس، جنبه توضیحی دارند، یعنی توضیح جماع و لمس به ادخال و ایلاج است،

۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲، کتاب الطهارة، ابواب الجنابة، باب ۶، ص ۱۸۳، ح ۲.

نه اینکه ادخال و ایلاج، چیزی در مقابل جماع و لمس باشد، بلکه این دو یک چیزند و موضوع برای وجوب غسل نیز چیزی جز واقعه در فرج و جماع نیست، بنابراین، اگر جماع صدق کند، غسل واجب می‌شود. دلیل این مطلب روایت صحیح ابی مریم است؛ عَنْ أَبِي مَرْيَمَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ (ع): مَا تَقُولُ فِي الرَّجُلِ يَتَوَضَّأُ ثُمَّ يَدْعُو جَارِيَتَهُ فَتَأْخُذُ بِيَدِهِ حَتَّى يَنْتَهِيَ إِلَى الْمَسْجِدِ فَإِنَّ مَنْ عِنْدَنَا يَزْعُمُونَ أَنَّهَا الْمُلَامَسَةُ، فَقَالَ: «لَا وَاللَّهِ مَا بِذَلِكَ بَأْسٌ وَرَبَّمَا فَعَلْتُهُ وَ مَا يُعْنَى بِهَذَا "أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ" إِلَّا الْمَوَاقَعَةُ فِي الْفَرْجِ»^۱.

در روایت مذکور، ملامسه [که سبب وجوب غسل است] به واقعه در فرج تفسیر شده است و واقعه در فرج، همان جماع است، یعنی اگر جماع صورت گرفت، غسل واجب است و اگر جماع صدق نکند، غسل واجب نیست. بنابراین، صحیح نیست که گفته شود که اگر ذکر ملفوف به چیزی باشد و در فرج داخل شود، غسل واجب می‌شود، هرچند که عنوان جماع صدق نکند، بلکه برای ترتب حکم [وجوب غسل] حتماً باید عنوان جماع صدق کند.

احتمال سوم، همان نظر مرحوم سید (ره) است و آن، اینکه گفته شود که اگر ذکر یا مدخول^۲ فيه ملفوف به چیزی باشند، غسل واجب می‌شود، مگر اینکه جماع صدق نکند.

دلیل حکم مذکور، این است که موضوع برای وجوب غسل، جماع و واقعه است و لذا اگر جماع و واقعه صدق کند، غسل نیز واجب می‌شود و اگر جماع و واقعه صدق نکند، غسل واجب نمی‌شود.

مسأله ۶۵۱: «فی الموارد التي يكون الاحتياط في الجمع بين الغسل والوضوء الأولى أن ينقض الغسل بناقض من مثل البول ونحوه ثم يتوضأ لأنّ الوضوء مع غسل الجنابة غير جائز و المفروض احتمال كون غسله غسل الجنابة»^۳.

به نظر مرحوم سید (ره)، در مواردی که احتیاط در این است که بین غسل و وضو جمع شود، اولی و سزاوار این است که شخص غسل را به نواقضی، مثل بول و امثال آن نقض کند و سپس وضو بگیرد چون وضو با غسل جنابت جایز نیست [، یعنی اگر شخص، غسل جنابت را انجام دهد، جایز نیست که وضو نیز بگیرد] و فرض این است که احتمال دارد که غسلی که آن شخص انجام داده است، غسل جنابت باشد [لذا نخست باید غسل خود را با نواقضی، مثل بول نقض کند و سپس وضو بگیرد].

عرض می‌شود که سخن مرحوم سید (ره)، مبنی بر احتیاط مذکور و نقض غسل و سپس وضو گرفتن، سخن خوبی است، لکن استدلال ایشان اشکال دارد زیرا هرچند که وضو، قبل از غسل جنابت و بعد از آن جایز نیست، لکن حرمت ذاتی ندارد و علت عدم جواز، این است که تشریع در دین جایز نیست و معلوم است که در موارد علم اجمالی، انسان از باب احتیاط و رجاء مطلوبیت، هم غسل می‌کند و هم وضو می‌گیرد و به قصد تشریع این کار را نمی‌کند، پس وضو گرفتن بعد از غسل، حرمت ذاتی ندارد چون به قصد تشریع وضو نمی‌گیرد، بنابراین، استدلال مرحوم سید (ره) صحیح نیست، لکن اصل مدعای ایشان که اولی این است که شخص غسل را نقض کند و سپس وضو بگیرد، صحیح است و دلیل این اولویت این است که شخص از جزم به نیت، تمکن پیدا کند، یعنی وقتی خاطرش جمع شد که غسل او نقض شده است، با خاطری آسوده، جزماً وضو را نیت می‌کند و وضو می‌گیرد و سپس نماز می‌خواند چون اگر بعد از غسل، حدّثی از او صادر نشود و غسلش را باطل نکند، نمی‌تواند به نیت جزم پیدا کند و

۱. «المائدة»: ۶.

۲. همان، ج ۱، کتاب الطهارة، ابواب نواقض الوضوء، باب ۹، ص ۲۷۱، ح ۴.

۳. سید محمدکاظم، یزدی طباطبائی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۸۴.

نمی‌تواند نیت وجوب وضو را بکند چون احتمال دارد که در واقع غسلی که انجام داده است، غسل جنابت باشد که در این صورت وضو بر او واجب نخواهد بود و جزم به نیت پیدا نخواهد کرد و متمکن از نیت وضوی واجب نخواهد بود لذا برای اینکه جزم به نیت پیدا کند و یقین پیدا کند که وضویی که می‌گیرد با غسل جمع نمی‌شود، غسل را نقض می‌کند و سپس وضو می‌گیرد. آنچه گفته شد، بنا بر نظر کسانی است که جزم به نیت در وضو را واجب می‌دانند، اما اگر جزم در نیت واجب نباشد، نقض غسل لازم نیست.

«الحمد لله رب العالمین»